

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری 1؛ رد احتمالات اثباتی پیرامون اخبار من بلغ

بعد از اینکه همه‌ی انتظار در مورد مفاد اخبار «من بلغ» بیان شد، ملاحظه فرمودید که هیچ کدام از این انتظار قابل قبول نبود و بر هر کدام اشکال یا اشکالاتی وارد شد

یادآوری 2؛ نظر مختار پیرامون اخبار من بلغ: این اخبار، دلالت بر تسامح در ثواب یا ثواب تفضلی دارند و لا غیر.

و در مجموع به نظر می‌رسد که این اخبار «من بلغ» همانطوری که قبلاً هم عرض کردیم دلالت بر تسامح در ثواب دارد که حالا این تسامح در ثواب را می‌شود تعبیر به «ثواب تفضلی» هم کرد که قبلاً این تعبیر را ذکر کردیم. اخبار «من بلغ» دلالت بر این دارد که اگر کسی «بلغه شیء من الثواب فعمله کان له أجر ذلک»، یعنی و لو اینکه این شخص استحقاق ثواب ندارد، اما مولا به خاطر بزرگی و کرامت خویش این ثواب را به او می‌دهد، اگر کسی این عمل را به عنوان آن ثواب انجام داد شارع متعال این ثواب را به او می‌دهد.

مروری مجدد بر اقوال پیرامون اخبار من بلغ و رد آنه

یادآوری نظر محقق خراسانی و محقق انصاری و رد آن و بیان نظر مختار و در اینکه قبلاً در نزاع بین مرحوم آخوند و شیخ که: آخوند می‌فرمودند اینجا جای حمل مطلق بر مقید نیست، ما عرض کردیم در اینکه این قید در اینجا خصوصیت دارد تردیدی وجود ندارد، «من بلغه شیء من الثواب فعمله طلب قول النبی»، یا «التماساً للثواب الموعود»، شارع متعال در مقام بیان این قید است یعنی این عمل، به این داعی باید انجام شود و الا کسی عمل را انجام بدهد اصلاً به داعی ثواب هم نباشد این خارج از مورد روایات است که شیخ هم این را قبول داشت که باید به عنوان این قید باشد، در اینکه این قید خصوصیت دارد تردیدی وجود ندارد لکن شیخ مسئله را ارشادی کرد، ما فقط همین جا اختلاف‌مان با شیخ هست که می‌خواهیم عرض کنیم مسئله مولوی است، یعنی این «ثواب مخصوص» را عقل درک نمی‌کند و شخص را هم مستحق این ثواب مخصوص قرار نمی‌دهد،

شارع با این روایات، یک تسامحی در ثواب کرده و می‌فرماید کسی که عملی را به قصد این ثواب مخصوص انجام داد ما هم تفضلاً همین ثواب مخصوص را به او می‌دهیم، اینطور نیست که او را ناامیدش کنیم و او را محروم کنیم از آنچه که دنبال او

هست و خود شخص چون به گوشش رسیده این عمل این مقدار ثواب را دارد، مخصوصاً حالا اگر عمل یک عملی باشد که زحمت بسیار زیادی هم داشته باشد، باید ساعت‌ها حرکت کند تا به جایی خودش را برساند، شارع می‌فرماید که من چنین شخصی را، چنین ثواب مخصوصی را تفضلاً به او می‌دهم، این روایات من بلغ اصلاً در مقام بیان اینکه خبر ضعیف در مستحبات «حجة» یا این فعل عنوان استحباب دارد، حالا یا به عنوان خودش یا به عنوان ثانوی، اینها نیست! اصلاً دلالت بر استحباب عمل به هیچ وجهی ندارد، فقط تسامح در خود ثواب است و غیر از این ما چیزی را از این روایات نمی‌توانیم استفاده کنیم.

یادآوری نظر محقق اصفهانی و محقق خراسانی و رد آن و بیان نظر مختار

مرحوم اصفهانی معتقد بود که این روایات در مقام ترغیب به خود عمل است و از این راه خواست استحباب را استفاده کند که آن روز هم عرض کردیم آخوند هم می‌فرماید خود عمل به عنوان خودش مستحب است، اصفهانی هم می‌فرماید عمل مستحب است به عنوان خودش، منتهی آخوند از راه ترتب ثواب که «کان له اجر ذلک» که مشاراً إلیه شارع را به عمل زد، و مرحوم اصفهانی از این راه که این اخبار در مقام ترغیب به این عمل است. ما اینجا استظهار کردیم، حالا چون اقوال گذشته رد شده این هم یک حرف برهانی داریم و می‌خواهیم ظاهر روایت را معنا کنیم، می‌گوئیم ظاهر روایات وعده‌ی به این ثواب است، اصلاً کاری به ذات عمل ندارد که آیا این مستحب است یا نه؟ و یا خبری که این را دلالت دارد حجیت دارد یا نه؟ اصلاً کاری به این جهات ندارد، بلکه اخبار من بلغ فقط در مقام وعده‌ی نسبت به تفضل ثواب است و ظهورش در همین است،

یادآوری نظر امام خمینی(ره) و رد آن و بیان نظر مختار

شما ببینید می‌گوید «کان له اجر ذلک»، این «فعله» را قبلاً معنا کردیم که این بالأخره به گوشش که می‌رسد عمل هم انجام می‌دهد، وقتی عمل کرد آن هم به داعی اینکه به این ثواب برسد، شارع می‌فرماید: حالا من تفضلاً این ثواب را به او می‌دهم «و ان لم یقله»، ولو اینکه ما نگفتیم این مستحب است، ما نگفتیم این ثواب دارد، اینها را هم ما نگفتیم اما این شخص به گوشش رسیده که این عمل ثواب دارد و به داعی ثواب آن را انجام داده و حالا که به داعی ثواب انجام داده این ثواب را ما به او اعطا می‌کنیم.

شبیه اینکه فرض کنید که حالا بگویند کسی برود خدمت یک بزرگی در روز عید، بگویند ما شنیدیم کسی که عید پیش شما بیاید شما عیدی می‌دهی، آن اقا می‌گوید من چنین وعده‌ای نکردم ولی حالا که تو به این نیت آمدی این هم عیدی شما! این جا وزان این اخبار من بلغ همین وزان عیدی است که بزرگان به افراد می‌دهند؛ نه وزان جعاله و اینها که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه فرمودند، بلکه وزانش همین است که این اثر را شارع مترتب می‌کند، ولو خود فعل هیچ ملاکی ندارد ولو شارع چنین وعده‌ای را قبلاً نداده که بر این عمل این ثواب مترتب است.

اما شارع تفضلاً این ثواب را مترتب می‌کند. پس اخبار من بلغ فقط دلالت بر تسامح در ثواب دارد و دیگر تسامح در حجیت خبر ضعیف ندارد و اقوال دیگر نیز قبول نیست. یعنی ثواب تفضلی را شارع به این شخص می‌دهد، این ثواب تفضلی را عقل ادراک نمی‌کند لذا عنوان ارشادی ندارد بلکه عنوان مولوی دارد، این تمام کلام در مفاد اخبار من بلغ.

بررسی اشکالات وارده بر نظر مشهور پیرامون اخبار من بلغ؛

مهمترین اشکال: تنافی نظر مشهور در ما نحن فیه با مسئله تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ عرض کردیم یکی از اشکالات مهمی که بر مشهور وارد می‌شود این است که بین آنچه که مشهور در اینجا، در اخبار من بلغ پذیرفته‌اند و آنچه که در باب ملاکات احکام می‌گویند که احکام تابع مصالح و مفاسد است تنافی وجود دارد. اینجا یکی از اشکالاتی که بر مشهور وارد می‌شود این است که لازمه‌ی کلام مشهور این است که هر بدعتی را با یک روایت جعلی و یک روایت ضعیف دروغ انسان بتواند تصحیح کند طبق کلام مشهور. آیا این اشکال بر مشهور وارد است یا نه؟

بررسی یک سؤال: آیا اشکال بر مشهور وارد است؟ جواب: در اخبار من بلغ باید «خیر بودن» و «رجحان عمل» مسلم باشد

جواب این است که در این اخبار من بلغ ما داریم «من بلغه شیء من الثواب فی شیء من الخیر» یعنی رجحان یک عمل باید مسلم باشد، یک عمل خیر بودن و رجحانش باید مسلم باشد، حالا ما نمی‌دانیم آیا شارع به اعتبار این «رجحان» و به اعتبار این «خیر» این را مستحب قرار داده یا نه؟

بررسی دو احتمال در کلمه «خیر»؛ 1. خیر در مقابل شر 2. خیر عمل مقابل شر و نیز عملی که فعلش بر ترکش رجحان دارد

در کلمه‌ی «خیر» در اینجا دو احتمال مجموعاً وجود دارد: «احتمال اول»: یکی اینکه بگوئیم «خیر» در مقابل «شر» است، یعنی بگوئیم این عمل «شر» نیست، فرض کنید حالا اگر یک کسی بگوید که اگر کسی به دیگری سیلی زد اینقدر ثواب دارد! این که نمی‌شود در اخبار من بلغ بگوئیم این را هم درست می‌کند، اگر کسی دیگری را اذیت کرد و یا به دیگری اهانت کرد در یک مورد خاصی مثلاً، نمی‌شود. پس احتمال اول این است که این کلمه‌ی «خیر» در مقابل «شر» است.

«احتمال دوم»: این است که بگوئیم نه! علاوه‌ی بر اینکه در مقابل «شر» است در خودش هم یک رجحانی وجود دارد و یک عملی است که فعلش بر ترک آن رجحان دارد

نکته: صرف رجحان یک عمل، ملازمه با استحباب شرعی ندارد، بلکه استحباب، رجحان شدید لازم دارد

منتهی ما نمی‌دانیم شارع این را به اعتبار این رجحان، مستحب قرار داده یا نه؟ برای اینکه «صرف رجحان» کافی در این نیست که بگوئیم حتماً «لابد أن یکون مستحباً»، استحباب یک رجحان شدید لازم دارد، حالا یک چیزی یک رجحان مایی دارد نمی‌شود به ملاک این رجحان بگوئیم پس حتماً شارع در اینجا این را مستحب قرار داده، به عبارت دیگر: در باب ملاکات لزومی تا عقل ملاک لزومی را درک کرد، می‌گوید شارع این را واجب قرار داده روی قاعده‌ی ملازمه؛ اگر تازه کسی ملازمه را قبول کند که ما ملازمه را قبول نکردیم.

اما در باب رجحان این مسلم است که «مطلق رجحان» در استحباب کافی نیست! شارع در میان آن افعالی که فعلش بر ترکش رجحان دارد، بعضی‌ها را مستحب قرار داده و بعضی را مستحب قرار نداده. در فعل مباح اصلاً نه اقتضای فعل در آن وجود دارد و نه اقتضای ترک، اما اگر ما در یک جای گفتیم اقتضای رجحان وجود دارد؛ این، ملازمه‌ی با استحباب شرعی ندارد، درجات رجحان برخلاف لزوم است، در لزومیّات و الزامیّات بگوئیم آقا اگر یک چیزی به درجه‌ی لزوم رسید «لابدّ آن یکن واجبا»، اما اگر یک چیزی به درجه‌ی رجحان رسید بگوئیم این حتماً باید مستحب باشد نیست، اقتضا دارد اما ملازمه‌ای که بگوئیم، حتی کسانی که قائل به ملازمه هستند روی آن مبنا می‌گوئیم که ملازمه دارد که شارع این را مستحب کرده باشد.

مثلاً در عرف خودمان فرض کنید که بعضی از کارها در رجحانش تردیدی وجود ندارد، در آن رجحان وجود دارد، این است که انسان در یک جا زیاد ننشیند، این رجحان دارد بر زیاد نشستن، بگوئیم این هم پس مستحب است! در «أكل» و «نوم» و امثال اینها وارد شده، کم خوردن، کم خوابیدن، اینها استحباب دارد و پرخوردن و پر خوابی و پرکلامی و ... کراهت دارد، اما در نشستن چیزی وارد نشده، یک رجحانی هم در نظر عرف دارد اما ملازمه با استحباب ندارد.

کلمه خیر در کدام یک از دو احتمال ظهور دارد؟ ظاهر اخبار من بلغ احتمال دوم است

حال این کلمه‌ی «خیر» در اینجا ظهور در کدام یک از این دو معنا دارد، «من بلغه شیء من الثواب فی شیء من الخیر»، بگوئیم «خیر» در مقابل «شر» است، آنچه بالذات و به حسب ذات مباح است، یا اینکه بگوئیم نه، این «خیر»، یعنی آنکه از مباح اقتضای از رجحان در آن وجود دارد، اقتضای استحباب هم دارد، ظاهر این اخبار من بلغ همین دومی است، یعنی جایی که یک فعلی علاوه‌ی بر اینکه فی حدّ نفسه مباح است یک درجه بالاتر از آن اقتضای برای ثواب و اقتضای برای استحباب در آن باشد، جایی که چیزی اقتضای استحباب ندارد این از دایره‌ی اخبار من بلغ خارج است؛

یک فعلی هست که هیچ اقتضای رجحانی در آن نیست، حالا اگر روایت ضعیفی آمد دلالت کرد که بر این فعل ثواب مترتب می‌شود ما ادعایمان این است که این مشمول روایات من بلغ نمی‌شود و با این بیان می‌خواهیم دفع کنیم شبهه‌ی بدعت را؛ بدعت معمولاً در اموری است که اصلاً نه تنها اقتضای رجحان در آن نیست بلکه آن طرف قضیه شاید در آن باشد. مثلاً فرض کنید این کارهایی که امروز گاهی اوقات در جامعه‌ی ما به عنوان خرافات مطرح می‌شود، اگر کسی برود روی پله‌ی چندم حمام ... بنشیند، در این اصلاً رجحانی وجود ندارد و چه بسا آن طرف قضیه باشد، اخبار من بلغ این گونه امور را مستحب نمی‌کند. فرض کنید بالاتر، گاهی اوقات اموری است که در آن ضرر وجود دارد، فرض کنید حالا در بعضی از کارها افعالی را انسان انجام می‌دهد آن هم به قصد اینکه ثواب به او داده شود اما جز ضرر چیزی بر او نیست! اینها مشمول اخبار من بلغ نمی‌شود.

نکته: اخبار من بلغ فقط شامل آن فعلی می‌شود که خیر بودن و رجحانش برای ما مسلم باشد و لا غیر

اخبار من بلغ فقط شامل آن فعلی می‌شود که خیر بودن و رجحانش برای ما مسلم باشد مثلاً در باب عزاداری «ابا عبدالله الحسین علیه السلام»، البته ما یک اطلاق و یک کلی‌ای داریم که هر چه موجب تعظیم آن حضرت شود و عزاداری برای آن حضرت باشد این رجحان هم دارد و لذا همین لباس مشکی که انسان می‌پوشد و در موارد دیگر خصوصاً در باب صلاة فتوای به کراهتش داده شده، اما در اینجا رجحان دارد، به خاطر آن کلیّاتی که در مورد عزاداری «ابا عبدالله الحسین علیه السلام» وجود دارد.

اما حالا با قطع نظر از این کلیّات؛ اگر ما این کلیات را در این بحث علمی از آن غمض عین کنیم، یک روایتی برسد بر اینکه ریختن خون در این عزاداری این ثواب برایش مترتب است، یک روایت ضعیفه، باز عرض کردم کلیاتی داریم که از آن کلیات خیلی از این موارد را می‌شود به دست آورد و حل کرد، اما با قطع نظر از آن، اگر یک روایت ضعیفه‌ای بیاید بر اینکه انسان اگر در عزاداری جرحی بر خودش وارد کند، ضربه‌ای به خودش وارد کند و ادمائی صورت بگیرد، این ثواب را دارد، ما می‌گوئیم اگر ما باشیم و اخبار من بلغ، این اخبار نمی‌تواند این را درست کند، اخبار من بلغ «فی شیء من الخیر» است، این ضرب که مستلزم ضرر است و مستلزم ادماست و «لیس من الخیر»؛ اینها را درست نمی‌کند، ولو اینکه ما از بعضی از تعبیر و کلیّاتی که در قضیه‌ی «ابا عبدالله الحسین علیه السلام» وارد شده می‌توانیم اینها را تصحیح کنیم ولی با اخبار من بلغ، با قطع نظر از آن کلیّات، اگر در یک فعلی ضرر باشد، یا در یک فعلی نه نفع و نه ضرری هست، اینها را شامل نمی‌شود،

اما اگر یک فعلی «فیه نفع»، ما «خیر» را بالأخره می‌خواهیم بگوئیم «فیه نفع و فیه رجحان»، در آن بود، حالا اگر یک روایت ضعیفه‌ای آمد دلالت کرد بر این فعل، ثواب مترتب است و شخص هم این فعل را انجام داد، «کان له اجر ذلک».

بررسی نتیجه نهایی مفاد اخبار من بلغ در ضمن یک سؤال: آیا در عبادیات می‌توان رجحان را درک کرد؟

حالا آیا این مطلب را در غیر عبادیات با همین ملاک «فیه رجحان» می‌شود درست کرد؟ آیا در عبادیات می‌توانیم درک این رجحان را بکنیم؟ این نکته‌ی اصلی است که از آن روز اولی که وارد اخبار من بلغ شدیم می‌خواستیم به این نکته برسیم. اگر یک روایت ضعیفه بگوید که نماز در اینجا مساوی با نماز در مسجد الحرام است، آیا ما می‌توانیم بگوئیم «هذه الصلاة فیها خیر»، از کجا «خیر؟» چون یک طرفش تشریع است، یک طرفش احتمال می‌دهیم که این درست نباشد، حرام باشد اگر کسی «بقصد الورد» بخواهد این کار را انجام بدهد برایمان محرز نیست. «بعنوان المسجدیة»، کلیّات اینکه هر مسجدی خانه‌ی خداست، ثواب نماز در مسجد چند برابر نماز در خانه است، مسجدی که حالا مؤمنین هم زیاد بروند این عنایات خدا هم در آن مسجد بیشتر می‌شود، اینها جای خودش روشن است، اما آن که فقیه باید حل کند این است، که اگر یک روایت ضعیفی برسد بر اینکه دو رکعت نماز در اینجا به اندازه‌ی دو رکعت نماز در مسجد الحرام است، یا حالا اگر یک روایتی رسید گفت نماز در اینجا بالاتر از نماز در مسجد الحرام است! آیا ما می‌توانیم با اخبار من بلغ حتی روی مبنای مشهور درست کنیم.

نتیجه نهایی مفاد اخبار من بلغ (جواب): بر طبق مبنای مشهور و مبنای مختار:

بوسیله اخبار من بلغ نمی‌توان رجحان و خیر بودن را در عبادیات تصحیح کرد

روی مبنای خود ما که اصلاً نه استحباب از آن فهمیده می‌شود، آن روشن شد، روی مبنای ما می‌گوئیم حتی در اینجا هم اعطای ثواب تفضلی هم نیست، روی مبنای مشهور هم همینطور است، برای اینکه روی جمیع مبنای «فی شیء من الخیر» باید باشد و ما نمی‌دانیم این دو رکعت در اینجا «بقصد الورد» در باب عبادیات «هل هو خیر أم لا؟» برای اینکه یک طرفش احتمال تشریع وجود دارد، شما ببینید روایات را، خیلی عجیب است؛ حتی در انکار مستحبی، در یک جایی، اینطور که اجمالاً در ذهنم هست، شخصی به امام عرض می‌کند که شما فرمودید «ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله»، حضرت فرمود آن «واو» را ما نگفتیم، بلکه «ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله» این استحباب دارد حالا اگر بخواهد با همان «واو» به قصد ذکر مستحبی بخواند درست نیست،

مخصوصاً در باب نماز که اهمّیت بیشتری دارد. علیّ ایّ حال تردیدی وجود ندارد که حتّی روی مبنای مشهور ما نمی‌توانیم اینجور چیزها را درست کنیم، الآن یک روایت ضعیفه بیاید که فلان امام زاده هر کس مشرف بشود اینقدر ثواب دارد، آیا واقعاً می‌شود روی اخبار من بلغ تمام اینها را درست کرد، اگر اینطور باشد تمام امامزاده‌های ایران را باید روی اخبار من بلغ درست کنیم، به اندازه‌ی 124 هزار پیغمبر در مازندران فقط امامزاده وجود دارد! باید تمام اینها را روی اخبار من بلغ درست کرد، نمی‌شود اینها را ملتزم شد، حالا به عنوان رجاء، به عنوان کلی، به عنوان تعلیقی، یک حرف دیگری است، اما اینکه بگوئیم خصوص این امامزاده اگر کسی بیاید این ثواب است، حالا این هم داره باب می‌شه، یک امامزاده‌ای که می‌خواهند مورد توجه واقع شود، می‌گویند این را اگر کسی زیارت کند ثواب امام حسین علیه السلام را دارد، مردم هم به عشق امام حسین می‌گویند حالا که دستمان از آنجا کوتاه است به اینجا برویم، نه نمی‌شود اینطوری درست کرد! با اخبار من بلغ نمی‌شود این بدعتها و تشریحات را تصحیح کرد، این تمام کلام در مفاد اخبار من بلغ بود.

جلسه آتی بررسی تنبیهات اخبار من بلغ

چند تا تنبیه هست ما روی همان ترتیبی که مرحوم محقق اصفهانی در حاشیه‌ی کفایه فرموده‌اند، جلد چهارم نه‌ایه الدرایه، صفحه‌ی 188 را ملاحظه کنید ان شاء الله فردا تنبیه اول را بیان خواهیم کرد.